

اشاره:

جریان حرکت اقتصاد جهانی به سمت آزادی بیشتر، لغو تمامی محدودیت‌های تجاری غیرتعرفه‌ای، کاهش تعرفه‌های تجاری و به‌حداکثر رسیدن منافع مصرف‌کنندگان از طریق رقابت فشرده میان عرضه‌کنندگان کالا، پیش می‌رود.

در این جریان توفنده، آن کشورهایی که هرچه سریع‌تر موقعیت خود را با شرایط نوین تجارت جهانی وفق دهند، قادر خواهند بود که سهم بیشتری در تجارت جهانی کسب کنند. اکثر کشورهای درحال توسعه با عدم تعادل‌های اقتصادی کلان، موانع ساختاری و ... مواجه هستند که در نهایت نقش به‌سزایی در تجارت بین‌المللی ندارند و قادر نیستند نیازمندی‌های پولی خود را از طریق مازاد درآمدهای ناشی از تجارت خارجی تأمین کنند. مداخله وسیع دولت در اقتصاد و برداشت زیاد بخش دولتی و نیمه‌دولتی از موجودی منابع مالی، سد راه توسعه بخش خصوصی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه می‌باشد.

این مسایل در اغلب موارد مانع از آن است که کشورهای مورد بحث از بهبود دسترسی‌شان به بازارهای خارجی منتفع شوند. در این گزارش، تلاش بر این است که موانع توسعه تجارت خارجی و به‌ویژه مشکلات تجار بخش خصوصی در دسترسی به بازارهای بین‌المللی بررسی شود و راه‌های مناسب مشخص گردد.

خارجی)، سهم خود را در مبادلات بین‌المللی افزایش دهند و درآمدهای کلان از رونق صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی به‌دست آورند. آن‌ها اکنون در مرحله‌ای قرار دارند که در آستانه ورود به جرگه کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشند.

### ○ مشکلات و تنگناهای نظام تجارت بین‌المللی با موانعی که برای صادرات از سوی دولت‌ها وضع می‌شود، به محدودیت رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه منجر می‌شود.

صرف‌نظر از بحث تحریم‌های اقتصادی (به‌ویژه تحریم‌های یک‌جانبه)، اقتصاد جهانی به سوی آزادی بیشتر و رفع موانع تجاری پیش می‌رود و تلاش دارد که دسترسی به بازارهای بین‌المللی را برای تمامی اقتصادها از جمله اقتصاد کشورهای درحال توسعه آسان‌تر سازد.

تجربه کشورهای تازه صنعتی شده نشان داده است که

# رشد اصلاحات اقتصادی، رشد صادرات خبر خوبی است

### موانع تجارت خارجی

اغلب کشورهای روبه‌رشد جهان با تنگنایی در عرضه تولیداتشان به بازارهای بین‌المللی مواجه می‌باشند. این موضوع تقریباً در تمامی بیانیه‌هایی که از سوی کشورهای درحال توسعه به مجامع بین‌المللی ارایه می‌شود، مطرح شده است.

### ○ تجربه کشورهای موفق نشان داده است که آزادسازی اقتصادی در بخش‌های سرمایه‌گذاری و تجارت سبب افزایش درآمد حاصل از صادرات و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی شده است.

تجربه کشورهای درحال توسعه موفق نشان داده است که این‌گونه کشورها که به «بازارهای نوظهور» معروف شده‌اند، توانسته‌اند با آزادسازی اقتصادی (سرمایه‌گذاری و تجارت

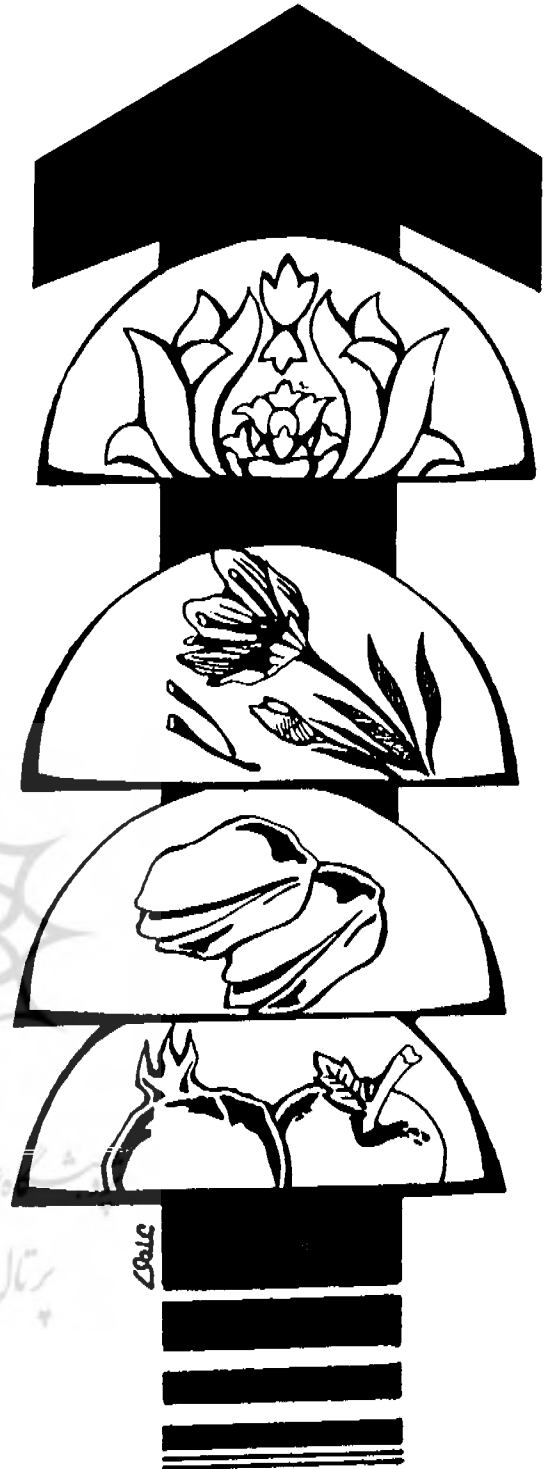
**○ با اجرای مستمر سیاست‌های اقتصادی کلان، عملکرد اقتصادی کشورهای درحال توسعه به‌طور اساسی بهبود می‌یابد و سهم آن‌ها در تجارت بین‌المللی رو به فزونی می‌گذارد.**

اگرچه موقعیت اقتصادی کشورهای درحال توسعه کمابیش با هم تفاوت‌هایی دارند و نمی‌توان تمام مسایل را به همه کشورهای این گروه تعمیم داد، اما اغلب کشورهای کمتر موفق را می‌توان با ویژگی‌هایی مانند عدم توازن بودجه‌ای مزمن که با زیان‌های بنگاه‌های بخش دولتی وخیم‌تر شده است، مداخله شدید دولت در اقتصاد از طریق وضع مقررات و محدودیت‌هایی برای بخش خصوصی و تجارت خارجی، مهار ضعیف تورم، سرکوبی مالی و نرخ بهره‌ای که به‌طور ساختاری منفی است و به تضعیف پسانداز و تخصیص نامناسب منابع منجر می‌شود و... شناخت.

تجربه نشان داده است که با اجرای مستمر سیاست‌های رفع نواقص مذکور، در طول زمان، عملکرد اقتصادی کشورهای درحال توسعه به‌طور اساسی بهبود می‌یابد و سهم آن‌ها در تجارت بین‌المللی افزایش می‌یابد.

به عقیده کارشناسان بین‌المللی، اصلاحات بخش دولتی، رفع انحراف قیمت‌ها، آزادسازی تجارت خارجی، آزاد گذاشتن سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت ظرفیت تجهیز پساندازهای داخلی نظام مالی و تخصیص منابع مالی به مصارف مولد، از اقدام‌های ضروری برای پی‌گیری راهبرد رشد همه‌جانبه می‌باشد. لازم است که از طریق سیاست‌گذاری‌های محتاطانه کلان اقتصادی در جهت رفع تنگناها کام‌های اساسی برداشت و از روند رشد تجارت جهانی به نفع اقتصاد ملی بهره کافی گرفت.

**○ اصلاحات بخش دولتی، رفع انحراف قیمت‌ها، آزادسازی تجارت خارجی، تقویت ظرفیت تجهیز پساندازهای داخلی و تخصیص منابع مالی به مصارف مولد، از اقدام‌های اساسی در راهبرد رشد همه‌جانبه است.**



نمی‌توان گفت مشکلات و تنگناهای موجود در نظام بین‌المللی تجارت، تنها موانعی است که کشورهای درحال توسعه با آن روبه‌رو می‌باشند، بلکه این گروه کشورها در بعد داخلی و ملی مشکلاتی دارند که این امر در کنار موانع خارجی، سبب می‌شود سهم ناچیزی در تجارت بین‌المللی داشته باشند.

کالاهایی وضع می‌گردد، در واقع هدف حمایت از تولیدات داخلی را نیز دنبال نمی‌کند، بلکه فقط هدف اقتدار دولت بر امور و کنترل فعالیت‌هاست. مانند محدودیت علیه صادرات. در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که مقررات مربوط به صدور کالاهای غیرنفتی در ایران پیوسته تغییر یافته است. این مقررات در جهت ساده شدن بیشتر و تسهیل امر صادرات نمی‌باشد، بلکه خود به‌عنوان مانعی برای توسعه صادرات غیرنفتی بوده است.

دست برداشتن از سیاست آزادسازی تجارت خارجی در اردیبهشت ۷۴ و اتخاذ سیاست‌های جدید تنظیم بازار از آن جمله است که با کاهش ارزش صادرات غیرنفتی از ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به حدود ۲/۲ میلیارد دلار در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ انجامیده است.

بسیاری از دست‌اندرکاران تجارت خارجی بر این باور هستند که با روند کنونی، چنانچه صادرات آزادتر نشود، نمی‌توان امیدوار بود که ارزش صادرات غیرنفتی در پایان دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی به هدفی بالاتر از ۶ میلیارد دلار برسد.

### ○ تغییر مقررات صادرات در جهت ساده شدن آنها و تسهیل امر صادرات نبوده، بلکه خود مانعی در راه رشد صادرات غیرنفتی بوده است.

آنها تردید دارند که مجموع درآمد ناشی از صادرات غیرنفتی به رقم ۲۷/۵ میلیارد دلار مورد نظر دولت، برسد و علت این امر را نیز در ضوابط و شرایط کنونی می‌بینند. یکی از مشکلات فراروی تجارت خارجی، سپردن پیمان ارزی است.

### تأثیر پیمان ارزی بر صادرات غیرنفتی

براساس آمارهای رسمی موجود، ارزش صادرات غیرنفتی ایران از حدود یک میلیارد دلار در سال ۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۷۳ افزایش یافت. در این دوران موانع توسعه صادرات از سر راه برداشته شد و آزادسازی تجاری منجر به افزایش صادرات غیرنفتی و واردات کشور گردید.

یکی از بحث‌های اقتصادی که به شدت از سیاست‌های دولت تأثیر می‌گیرد، تجارت خارجی است. محدودیت‌هایی که برای تجارت خارجی (از دید صادرات و واردات هر دو) منظور می‌گردد، در بلندمدت نمی‌تواند به افزایش سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی، تأمین نیازمندی‌های اقتصاد داخلی، رشد و توسعه پایدار اقتصادی و ... کمک کند. برعکس خود می‌تواند عامل محدودیت رشد اقتصادی گردد.

### ○ گسترش تجارت خارجی کمک می‌کند که بازارهای فروش محصولات از محدوده مرزهای ملی فراتر رود و در صحنه رقابت جهانی، تمام بازارها فراروی عرضه‌کنندگان کالا باشد.

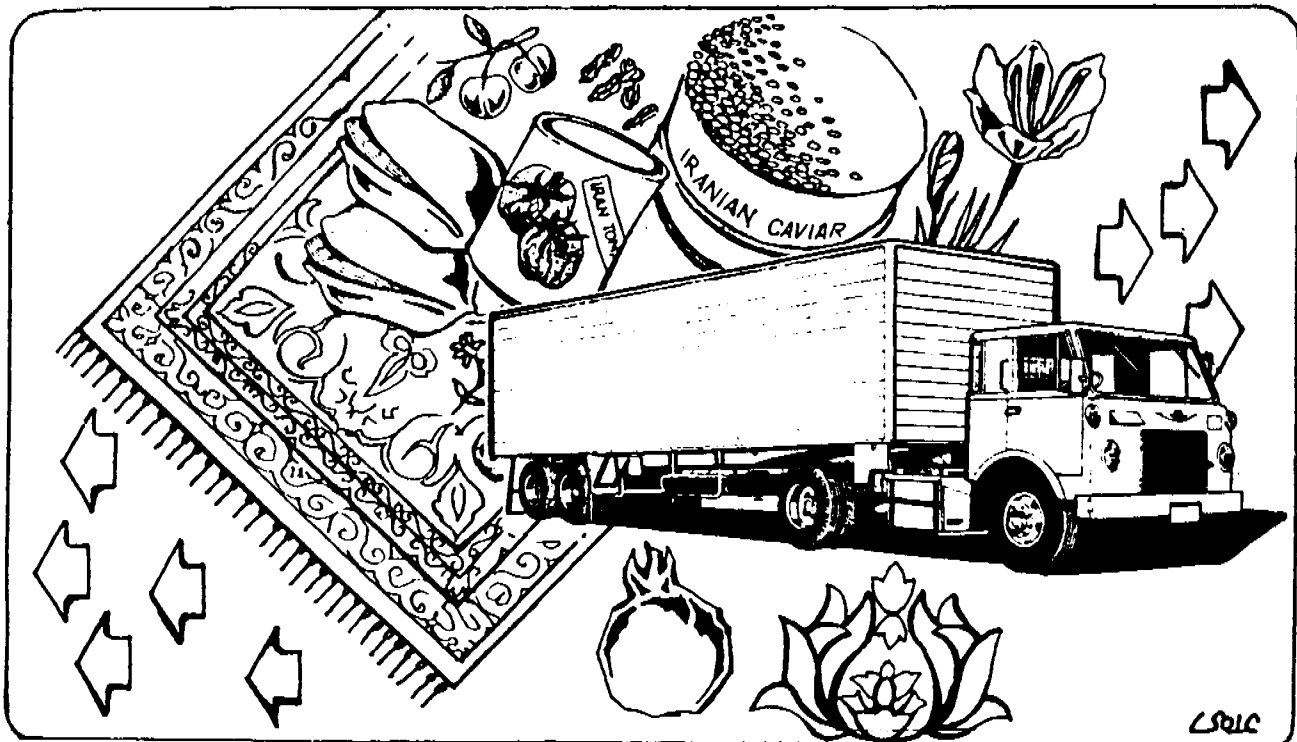
اکثر کشورهای در حال توسعه تصور می‌کنند که با ایجاد محدودیت‌های تجاری، از صنایع داخلی حمایت می‌کنند. اما در اقتصاد امروز جهان، تخصیص منابع اقتصادی به گونه‌ای میل پیدا می‌کند که بالاترین بازده اقتصادی یا به عبارت بهتر بیشترین ارزش افزوده برای اقتصاد ملی را تأمین کند.

در این راستا گسترش تجارت خارجی کمک می‌کند که بازارهای فروش محصولات در محدوده مرزهای ملی منحصر نباشند، بلکه در صحنه رقابت جهانی، تمام بازارهای بین‌المللی فراروی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات باشند.

در این شرایط محدودیت‌های تجاری که دولت‌ها وضع می‌کنند، نه تنها به رشد اقتصادی پایدار و حمایت از صنایع داخلی کمکی نمی‌کند، بلکه تخصیص منابع را به‌طور نامناسب، سبب می‌شود و نتیجه تولیدات داخلی با صرف هزینه‌های بیشتر، قابلیت رقابت خود را از دست می‌دهند. گذشته از آن که مصرف‌کنندگان داخلی محکوم به خرید کالاهای نامناسب و با قیمت‌های گزافی می‌شوند. این امر در بلندمدت منافع هر دو گروه تولیدکننده و مصرف‌کننده را تهدید می‌نماید.

### ○ محدودیت‌های تجاری به حمایت از صنایع داخلی کمک نمی‌کند، بلکه تخصیص منابع را منحرف می‌سازد و کالاهایی تولید می‌شود که در صحنه بین‌المللی قدرت رقابت ندارند.

اما برخی موانع تجاری که از سوی دولت‌ها برای تجارت



ایران بی سابقه بوده است. اگر این امر همواره به منزله فرار سرمایه باشد، می بایست گفت که تجارت دنیا، فرار سرمایه از مرزها است، درحالی که چنین نیست.

وی گفت: شاید گروهی از تجار تازه وارد با چنین قصد و هدفی وارد کار صادرات شدند. اما این موضوع را نمی توان به تمام صادرکنندگان تعمیم داد. صادرکنندگان محصولات غیرنفتی به ویژه کالاهای سنتی، نه تنها سالها سابقه در این فعالیت دارند، بلکه این حرفه در میان بسیاری از آن ها به طور خانوادگی و از چندین نسل پیش رواج داشته است. آن ها کالا را صادر می کنند، بار دیگر به بازار داخلی برمی گردند و کالا خریداری و صادر می نمایند.

**○ هرچا دخالت دولت در امور اقتصادی بیشتر شود، خودبه خود انگیزه برای سرمایه گذاری و فعالیت بخش خصوصی کمتر می شود، زیرا دیوانسالاری عریض و طویل دولت (هزاران بخشنامه و آیین نامه و کسب مجوز از ارگان های مختلف)، فعالان اقتصادی را خسته و ناامید می کند.**

اگر این صادرکنندگان ارز ناشی از تجارت خود را بر

**○ برخی کارشناسان بدبین، برداشتن پیمان ارزی صادرات را فرار سرمایه از کشور تلقی می کنند، درحالی که صادرکنندگان با سابقه برای ادامه فعالیت به بازگرداندن درآمد ارزی، خرید از بازار داخلی و تلاش برای فروش تولیدات ملی در بازارهای خارجی، نیاز دارند و لذا نمی توانند گامی در جهت فرار سرمایه از کشور بردارند.**

یکی از انگیزه های قوی برای توسعه صادرات غیرنفتی، برداشتن پیمان ارزی برای صادرکنندگان بود. اگرچه برخی کارشناسان بدبین براین باور هستند که برداشتن پیمان ارزی سبب خروج سرمایه از کشور شده است، اما این ادعا از دید بسیاری کارشناسان قابل قبول نیست.

یک کارشناس صادرات غیرنفتی می گوید: برخی مسؤولان بانک مرکزی معتقد هستند که صدور کالاهای غیرنفتی، فرار سرمایه است، اما می بایست به این موضوع اشاره کرد که در سال های اجرای نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور سهم قابل توجهی از صادرات غیرنفتی را صدور کالاهای سنتی (فرش، خشکبار و محصولات کشاورزی) تشکیل می داده که تقریباً در تمامی تاریخ اقتصادی

اصلی برهم خوردن نظم بازار ارز، دلارهای حاصل از صادرات غیرنفتی نبوده زیرا این دلارها، عرضه ارز در بازار را افزایش می‌دهد و می‌بایست به کاهش نرخ ارز و تقویت پول ملی کمک می‌کرد نه برعکس.

آنچه نابه‌سامانی بازار ارز را سبب شد، ناتوانی دولت در تأمین تقاضای ارز به‌ویژه تقاضاهای واقعی، انباشت تعهدات خارجی و تبلیغات سوء دشمنان انقلاب اسلامی در مورد عدم توانایی دولت در بازپرداخت تعهدات بود. از سوی دیگر پروژه‌های سرمایه‌گذاری در برنامه اول تزریق ارز و ریال به اقتصاد بدون افزایش عرضه کل (تا به ثمر رسیدن سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش تولید داخلی) را سبب شد و فشارهای تورمی، نگرانی ایجاد کرد به‌گونه‌ای که تقاضای تغییر پول به کالا یا ارز افزایش داشت و مردم از ترس کاهش بیشتر ارزش پول ملی به خرید دلار، طلا و ... روی آوردند، درحالی که در این شرایط، تجهیز و تقویت بازار سرمایه، افزایش سوددهی فعالیت‌های تولیدی، تقویت بازار سهام، هدایت واردات و ... ضرورت داشت. اما آنچه رخ داد، ایجاد محدودیت برای صادرات بود.

### ○ اگر مشکلات صادرات غیرنفتی حل نشود، نمی‌توان امیدی به حل دیگر مشکلات اقتصادی نظیر رشد سرمایه‌گذاری، مهار تورم، ایجاد اشتغال و ... داشت.

وی می‌گوید: یکی از بحث‌هایی که علیه صادرکنندگان در میان عوام مطرح می‌شود آن است که صدور کالاهای غیرنفتی به کمبود عرضه در بازار منجر می‌شود. اما ذکر این نکته ضروری است که درحال حاضر کمتر از یک درصد تولید ملی کشور صادر می‌شود و آیا می‌توان این امر را پذیرفت که خارج کردن یک درصد تولید از بازار داخلی، بتواند آماري چنان مخرب داشته باشد، آن‌هم در بعد اقتصاد ایران.

وی معتقد است اگر برنامه‌ریزان اقتصاد کشور به مسأله صادرات غیرنفتی توجه شایسته‌ای نشان ندهند و این مقوله همچنان در محدودیت و تنگناهای کنونی باقی بماند، باید گفت که نمی‌توان به دیگر مشکلات اقتصادی - اجتماعی مانند ایجاد اشتغال، رونق درآمدهای غیرنفتی و تنوع آن، رشد اقتصادی پایدار و ... غلبه کرد. یگانه راه نجات اقتصاد ایران تلاش برای

اقتصاد ملی (به صورت نقد یا واردات کالا) برنگردانند، قادر نخواهند بود که در بلندمدت فعالیت کنند، مگر منابع ریالی در اختیار آن‌ها نامحدود باشد. لذا این گفته منابع بانک مرکزی که صادرات غیرنفتی، فرار سرمایه از کشور است، صحت ندارد. بلکه آنچه در برنامه اول رخ داد، نظارت کمتر دولت بر نقل و انتقالات ارزی بود. البته هرچا دخالت دولت در امور اقتصاد کمتر شود، خودبه‌خود انگیزه برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی بیشتر می‌شود و بخش خصوصی علاقه بیشتری نسبت به فعالیت در آن زمینه نشان می‌دهد.

### ○ ساده نمودن مقررات تجارت، انگیزه برای صدور کالاهای غیرنفتی را بیشتر می‌کند. فعالیت دولت باید در جهت‌دهی بر واردات متمرکز شود تا درآمدهای ارزی به هدر نرود.

این امر نیز از آنجا ناشی می‌شود که دیوانسالاری دولت آن‌قدر عریض و طویل است که کسب مجوزهای گوناگون، درنظر گرفتن هزاران بخشنامه و آیین‌نامه و فعالیت در فضای پیچیده ضوابط و مقررات، به‌طور کلی فعالان اقتصادی را خسته و ناامید می‌کند.

این کارشناس معتقد است که برداشتن پیمان ارزی و ساده شدن ضوابط و مقررات تجارت، انگیزه برای صادرات کالاهای غیرنفتی را تقویت می‌کند و نبود مقررات سخت ارزی (فروش ارز بر نرخ واحد و ثابت به نظام بانکی) مهم‌ترین بخش آن بود.

### ○ ناتوانی دولت در تأمین تقاضای ارز در فضای باز واردات، انباشت تعهدات خارجی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در برنامه اول، تزریق کلان ارز و ریال به اقتصاد ملی در شرایطی که عرضه رشد چندان نداشت و تبلیغات سوء دشمنان انقلاب که نگرانی مصرف‌کنندگان را دامن زده بود، از عوامل چرخش از سیاست آزادسازی تجاری بودند.

وی می‌گوید: نابه‌سامانی بازار غیرمجاز ارز سبب شد که مقررات سخت ارزی و تجاری وضع گردد، درحالی که علت

دستیابی به بازارهای بین‌المللی است.

درحالی که صادرکنندگانی که از طریق گشایش اعتبار اسنادی، اجناس خود را ارسال می‌کنند، مشکلی در این زمینه ندارند. موضوع دیگر تثبیت نرخ ارز صادراتی و تفاوت آن با نرخ آزاد ارز می‌باشد.

در دو سال گذشته شرایط تورمی در بازار ایران سبب افزایش قیمت کالاها به‌طور متوسط به میزان ۸۰ درصد (درحال حاضر نسبت به آغاز سال ۷۴) شده است.

تثبیت نرخ ارز، قدرت رقابت تولیداتی که قیمت تمام شده بالاتری دارند را کاهش داده است، لذا در شرایط کنونی حجم صادرات غیرنفتی تحت تأثیر افزایش قیمت‌های داخلی نیز در حال کاهش است. پیش از این باوجود شرایط تورمی بخشی از تأثیرات سوء تورم داخلی از طریق فروش ارز در بازار آزاد و کسب ریال بیشتر جبران می‌شد.

وجود نرخ ثابت ارز می‌تواند برخی مشکلات و نگرانی‌های صادرکنندگان را برطرف سازد، اما تا زمانی که میزان سالانه تورم کشور به کمتر از ۵ درصد نرسد، خود تهدیدی علیه صادرات می‌باشد.

برای افزایش کارآیی در صنعت و تجارت، لازم است دولت برای واحدهایی که قادر به دریافت مازاد ارزی (مابه‌التفاوت

## ○ صادرکنندگانی که از طریق گشایش اعتبار اسنادی کالا صادر می‌کنند، در زمینه پیمان سپاری مشکلی ندارند اما ضرورت دارد که آن‌ها از تمامی ارز حاصل از صادرات خود برای واردات استفاده کنند و دولت باید به واردات کالا جهت درستی بدهد.

توجه به این نکته ضروری است که در دنیای امروز تلاش می‌شود مقررات و ضوابط تجارت خارجی، به‌ویژه در بخش صادرات روزبه‌روز ساده‌تر گردد تا دسترسی تولیدکنندگان به بازارهای خارجی باوجود رقابت فشرده بین‌المللی، دست‌کم از بعد داخلی، آسان‌تر شود.

بیان این موضوع نیز ضروری است که صادرکنندگان با سابقه، چاره‌ای جز برگرداندن ارز به اقتصاد ملی، خرید تولیدات داخلی و تلاش برای فروش آن‌ها در بازارهای خارجی ندارند، لذا این گروه نمی‌توانند نقشی در فرار سرمایه از اقتصاد ایران داشته باشند.

از آن گذشته، شرایط سیاسی - اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که فضای سرمایه‌گذاری جذابیت کافی داشته و نه تنها سرمایه‌های داخلی، بلکه سرمایه‌های بین‌المللی به اقتصاد کشور وارد گردند.

وی گفت: سپردن پیمان ارزی از آن‌جا با انتقاد صادرکنندگان روبه‌رو شد که اولاً قیمت‌گذاری محصولات صادراتی با قیمت‌های موجود در بازارهای خارجی تفاوت زیادی داشت و صادرکنندگان ملزم به انجام تعهداتی بودند که در واقع در بازارهای خارجی قادر به جذب منابع برای تأمین این تعهدات از طریق صادرات نبودند و ثانیاً اکثر کالاهای صادراتی سنتی به‌طور امانی صادر می‌شوند و لذا واردکنندگان این کالاها اعتبار اسنادی یا اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت برای آن باز نمی‌کنند.

در این شرایط، صادرکننده واقعاً نمی‌داند جنسی را که خریداری و صادر نموده با شرایط بازار سرانجام مجبور خواهد شد که به چه قیمتی بفروشد. لذا گرفتن پیمان برای درآمدی که به دقت قابل محاسبه نمی‌باشد، مورد اعتراض صادرکنندگان است.



هفتال بازار بین‌المللی  
دارای بهترین موقعیت در  
جزیره زیبای کیش  
دسترسی آسان به دریا

و  
شش بازار بزرگ کیش

با سونیت‌های یک خوابه و دو خوابه

و تجهیزات کامل و تلفن مستل

نشانی دفتر مرکزی تهران - خیابان فاطمی غربی، بعد از

حصارآده پلاک ۳۱۶ طبقه دوم

پلن رزرو نیز ۹-۶۲۲۹۳۸۸

صورت پیوستگی صنعت به منابع دولت همچنان ادامه خواهد یافت.

### ○ تثبیت نرخ ارز صادراتی در دو سال اخیر در شرایطی که قیمت‌ها در این مدت به‌طور متوسط ۸۰ درصد افزایش یافته، به نفع صادرات غیرنفتی نیست.

راهکارهای پیشنهادی از سوی کارشناسان اقتصادی غالباً بر این نکته تکیه دارد که فرهنگ عمومی جامعه باید به سمت استفاده بیشتر از تولیدات داخلی میل کند. در همین حال تولیدات داخلی می‌بایست از کیفیت و استاندارد انواع مشابه خارجی برخوردار گردد تا مصرف‌کننده داخلی برای جلوگیری از ضرر و زیان خود به استفاده از محصولات خارجی روی نیاورد.

در همین حال هدایت درست واردات کشور امری ضروری است که می‌بایست از طریق تعرفه‌های سنگین برای کالاهای لوکس مصرفی (مانند خودرو و ...) و حذف تعرفه واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای اعمال گردد تا منابع ارزی به هدر نرود.

در همین حال جریان سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد اقتصادی از طریق نرخ سود بالاتر باید تقویت شود. بازار سرمایه می‌بایست به گونه‌ای تجهیز گردد که پس‌اندازهای مردم را جذب کند. تا زمانی که این سودآوری به گونه‌ای نباشد که با فعالیتهای سوداگرانه (مانند خرید طلا و ارز و ...) رقابت کند، نمی‌توان امیدوار بود که پس‌اندازهای مردم به جرکه تولید جذب شود.

نکر این نکته ضروری است تا زمانی که سرمایه‌گذاری داخلی با احساس امنیت و سودآوری، افزایش قابل‌توجه نداشته باشد، سرمایه‌گذار خارجی، تمایلی به سرمایه‌گذاری در ایران نشان نخواهد داد. لذا مهم‌ترین وظیفه دولت انجام اصلاحات اقتصادی و تجهیز بازار سرمایه است. در غیر این صورت ایجاد موانع اداری و ... در زمینه صادرات غیرنفتی نمی‌تواند به توسعه پایدار اقتصادی و رفاه بیشتر برای مردم، کمک نماید.



ارزش صادرات نسبت به واردات) هستند، پاداش‌هایی از جمله کاهش تعرفه واردات اقلام مورد نیاز آنها، تخفیف‌های مالیاتی و ... قابل شود، نه آن‌که در صدد مجازات آنها (فروش ارز به نرخ ثابت و بهره‌مندی از نیمی از ارز حاصل از صادرات و ...) برآید.

می‌بایست اصلاحات لازم در بخش دولتی صورت پذیرد تا بستر مناسب برای رونق صادرات غیرنفتی فراهم شود.

ایجاد محدودیت‌هایی نظیر الزام به سپردن پیمان ارزی نمی‌تواند راهکار مناسبی باشد و در بلندمدت ثمر دهد. دولت مشکل بازپرداخت تعهدات خارجی را می‌بایست از طریق کسب درآمد از پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود با کمک درآمد نفت حل کند و اجازه دهد که جریان ارز برای صادرات غیرنفتی تا حدودی سلطه‌تر گردد.

از سوی دیگر گزارش منابع غیررسمی نشان می‌دهد که از زمان برقراری پیمان ارزی تاکنون کمتر از ۲ میلیارد دلار به نظام بانکی بازگشته است. آیا واقعاً این ۲ میلیارد دلار در حل معضلات ارزی و بازپرداخت به موقع تعهدات خارجی نقش به‌سزایی داشته است. هدایت جریان واردات به بخش‌هایی که برای اقتصاد کشور ارزش‌افزوده بیشتر به ارمغان آورد، مهم‌ترین بحث در تخصیص‌های ارزی است. حمایت از صنایع داخلی و تزریق ارز به آنها از سوی دولت تاکی باید ادامه یابد. صنعت کشور باید به جهتی حرکت کند که خود ارز مورد نیازش را از طریق صادرات تأمین کند و برای کمک به این مقوله نیز ضرورت دارد که بستر صادرات فراهم باشد. در غیر این